

بررسی شأنیت شرعی مجلس شورای اسلامی

در دیدگاه بنیانگذار انقلاب^(ره)

نگاه حداکثری امام^(ره)

به شریعت

جایگاه تقنینی مجلس

■ **محمد خداپرست**

زمانی که در خصوص وضع احکام توسط حکومت اسلامی و حاکم شرع سخن به میان می آید، ابتدا باید منظور از این احکام فقهی حکومتی به‌درستی تبیین شود. در خصوص احکام حکومتی و دایره شمول آنها، اختلافاتی میان فقها وجود دارد،

اما آنچه در این نوشتار مورد تأکید قرار دارد، نظریه فقهی امام خمینی (ره) در این زمینه است.

در همین راستا باید به انواع احکام اسلامی از این منظر اشاره نمود. احکام را با این دیدگاه می‌توان به سه دسته «احکام اولیه»، «احکام ثانویه»، و «احکام منطقه‌ال فراغ» تقسیم کرد. احکام اولیه موجب حج، حرمت ربا و وجوب نفقه بر شوهر، احکام مصرح در شرع هستند. حکم ثانویه، حکم شرعی جدیدی است که به‌دلیل ایجاد شرایط خاصی مانند اضطرار و عُسر و حرج، جایگزین حکم اولیه یک موضوع می‌شود؛ مانند وجوب خوردن گوشت مرده در صورت اضطرار. منطقه‌ال فراغ، نظر به‌ای است در فقه شیعه که از وجود قلمروی فاقد حکم شرعی در دین خبر می‌دهد. این نظریه را سید محمدباقر صدر در کتاب اقتصادنا مطرح کرده است. بر طبق نظریه منطقه‌ال فراغ، دین به حاکم اسلامی اجازه داده است تا در برخی مسائل اجتماعی، با در نظر گرفتن ضوابطی و با توجه به نیازهای هر زمان، حکم و قانون وضع کند؛ و برای برخی امور و موضوعات روز احکام جزئی و مشخص در اسلام وضع نشده و «مالایض فیه» است. ریشه‌های این نظریه را می‌توان در دیدگاه‌های فقیهان پیش از شهید صدر، به‌ویژه محمد حسین نائینی دید. به عنوان نمونه جزئیات احکام راهنمایی و رانندگی را می‌توان در دسته احکام مرتبط با منطقه‌ال فراغ دسته‌بندی کرد.

■ **گستره اختیارات تقنینی حاکم اسلامی**

بسیاری از فقهایی عصر گذشته، وظیفه فقیه را تشخیص احکام اولیه اسلام و اعلان آن به عمومی می‌دانستند. حوزه اختیار چندانی برای فقیه فراتر از این موضوع قائل نبودند. به دلیل اینکه اساساً مسئله حکومت اسلامی شیعی در اعصار پیشین موضوعیت نداشت، غالباً موضوعات مرتبط با احکام ثانویه و اختیارات فقهی، حوزه اختیار چندانی در این حوزه در دوران معاصر (با دست کم پس از عصر صفویه) پررنگ‌تر شد، اما تحول مهم در زمینه تبیین اختیارات تقنینی حاکم اسلامی مربوط به نظریه منطقه‌ال فراغ شهید محمدباقر صدر است. شهید صدر در توضیح اختیارات حاکم اسلامی تأکید ویژه‌ای بر منطقه‌ال فراغ دارد و آن را به اختیارات فقیه حاکم شرع منضم می‌نماید، اما اشکالی که به نظریه شهید صدر در خصوص اختیارات تقنینی حاکم اسلامی وارد شده است، آن است که ایشان اختیارات تقنینی حکومت اسلامی را محدود به حوزه منطقه‌ال فراغ می‌دانند و صریحاً اعلام می‌کند حاکم در حوزه احکام الزام‌آور (واجب و حرام) اختیاری ندارد. مثلاً تعطیلی واجبی مانند حج از نگاه ایشان در حوزه اختیارات حاکم اسلامی قرار نمی‌گیرد و بر اساس چنین نظریه‌ای تکلیف احکام در صورت تعارض بین دو حکم اولیه مشخص نمی‌شود. اما امام خمینی (ره) از طریق مشروعیت دادن به تشخیص حاکم اسلامی در چنین وضعیتی به منظور وضع احکام ثانویه مشکل را حل می‌کنند.

امام خمینی گستره اعمال اختیار ولی فقیه (حکم حکومتی) را که منتج از تشخیص فقهی حاکم اسلامی در زمان است، مشرف بر کلیه احکام اسلامی دانسته و مانند حکم اولیه با آن برخورد می‌کنند. ایشان حکم حکومتی را مرتبه‌ای بالاتر از حوزه تقنین در منطقه‌ال فراغ بر شمرده و می‌فرمایند: «حکم حکومتی از احکام اولیه اسلام است.» و نیز می‌نویسند: «حکام سلطانیه خارج از تعزیرات شرعیه در حکم اولی است».

این تشخیص حاکم حتی از موضوع اضطرار در تغییر حکم اولیه نیز فراتر است و به صرف و صلاح حکومت نظر دارد. مثلاً در جایی که امام می‌فرماید: «حکومت می‌تواند برای راه‌سازی خانه‌ها را خراب کند» که در این حالت حتی الزامی به رضایت صاحب ملک نیست، این در حالی است که ممکن است اضطراری هم در میان نبوده و مثلاً بتوان از مسیر دیگری راهسازی نمود، اما از آنجا که صرفه و صلاح حکومت اسلامی

بر احداث آن راه (یا حتی اماکن غیراضطراری مثل پارک) تعلق گرفته است، می‌توان حکم به تخریب منازل مانع این تصمیم گرفت.

این حد از اختیار از منظر امام هم شامل احکام اولیه می‌شود، هم شامل احکام ثانویه (که از روی اضطرار و موقتاً توسط حاکم بر خلاف احکام اولیه وضع می‌شود) و هم منطقه‌ال فراغ را شامل می‌شود. حال باید دید چه حد از این اختیارات در مدل حکومتی امام خمینی در جمهوری اسلامی، با نظر ایشان به نهادهای تقنینی تفویض شده است.

■ **تفویض اختیارات تقنینی حاکم به مجلس**

در حکومت اسلامی و دوران غیبت تقنین از اختیارات ولی فقیه است که در حوزه احکام حکومتی که ممکن است متعلق به آن احکام اولیه و احکام ثانویه و «ما لا ض فیه» باشد قانونگذاری می‌کند. اول باید دید در این میان جایگاه مجلس چیست و چه کارکردی می‌تواند در نظام فقهی حکومت اسلامی داشته باشد. یکی از موضوعاتی که بدون مناقشه از سوی ولی فقیه اختیار آن به مجلس شورای اسلامی برای تقنین واگذار شده است، حوزه منطقه‌ال فراغ است که احکام معین و مشخصی برای آن موضوع در حدودی مناقشه‌برانگیز بوده است. بر اساس دیدگاه بنیانگذار انقلاب اسلامی در باب وضع احکام و مقررات در جامعه اسلامی می‌توان چنین استنباط نمود که کارکرد مجلس اول برنامه‌ریزی در حوزه احکام ثابت و ثانیاً قانونگذاری در حوزه احکام متغیر است و اینکه سرانجام مجلس وضع قانون یا کشف قانون می‌کند باید گفت که کشف تحقق موضوع حکم اولیه بر اساس آن وضع حکم ثانویه وظیفه مجلس است؛ مثلاً حکم اولیه این است که شما جایی را اجازه می‌کنید باید سپر وقت به صاحبش برگردانید و الا عصب کرده‌اید. مثلاً نظام اسلامی آمده یک جاهایی را اجازه کرده و به عنوان مدرسه استفاده می‌کند و مدت اجازه آن هم تمام شده است و باید آن را تخلیه کنند اما تخلیه در میانه سال باعث ایجاد اثر و حرج برای مردم خواهد



شد. لذا برای اینکه این مشکل پیش نیاید حکم ثانویه مصوب می‌شود که بر اساس آن اجازه دهنده ملزم به تصدیق قرارداد تا انتهای سال تحصیلی باشد و اینکه صاحب ملک به آن رضایتی نداشته باشد. حکمی که بر اساس تشخیص صادر می‌شود همان حکم ثانویه است پس در احکام ثانویه از ابتدا تشخیص موضوع را داریم و سپس صدور حکم. چنین عملکرد مهمی در نگاه امام خمینی به مجلس اسلامی تفویض شده است. بر همین اساس است که امام جایگاه مجلس را بسیار ویژه ارزیابی نموده و اعتقاد دارند مجلس در رأس امور است یا در جای دیگری می‌فرماید کشور حتی یک روز هم نباید بدون مجلس بماند.

چون امروز خطرتر ترین وظیفه مجلس تشخیص و صدور احکام ثانویه است و جنبش بیشتر قوانین مجلس از این احکام هستند و بقیه مصوبات نیز به حوزه منطقه‌ال فراغ تعلق می‌گیرد. چنانچه مرحوم نایینی نیز می‌فرماید: «کار اصلی نواب مجلس از نوع احکام متغیر است.»

لذا می‌توان گفت اختیار تقنین در حوزه احکام متغیر مردم در مجلس شورای اسلامی تفویض شده و البته مشروعیت آن از سوی ولی فقیه است؛ چراکه صرفاً بر اساس نمایندگی مردم چنین اختیاری از حیث شرعی چنانکه امام خمینی(ره) فرمودند: «من تکرار می‌کنم حاکم اسلامی است و البته در نظام سیاسی کنونی ما ولی فقیه نیز نیت اعمال تقنین خود را به واسطه شورای نگهبان و نظارت آن نهاد اعمال می‌نماید.

چنانکه امام خمینی(ره) فرمودند: «من تکرار می‌کنم مجلس بالاترین مقام است در این مملکت مجلس اگر رأی داد و شورای نگهبان هم آن را پذیرفت هیچ‌کس حق ندارد یک کلمه راجع به این بگوید(به قانونی بودن آن خدشه وارد کند).»

نکته جالب در خصوص امام خمینی (ره) برای مجلس شورای اسلامی قائل بودن آنجا روشن‌تر می‌شود که بدانیم بر خسی از مراجع وقت نسبت به تفویض چنین اختیاری به مجلس معترض شده و آن را اختیار انحصاری شخص ولی فقیه می‌دانستند. به

عنوان مثال آیت‌الله العظمی گلپایگانی در نامه‌ای خطاب به حضرت امام(ره) اینچنین مکتوب کرد: «به نظر اینجانب تفویض ولایت و تشخیص ضرورت موضوعات احکام ثانویه تعیین مقداری که به آن اساس تشخیص صادر می‌شود همان حکم ثانویه است پس در احکام ثانویه از ابتدا تشخیص موضوع را داریم و سپس صدور حکم. چنین عملکرد مهمی در نگاه امام خمینی به مجلس اسلامی تفویض شده است. بر همین اساس است که امام جایگاه مجلس را بسیار ویژه ارزیابی نموده و اعتقاد دارند مجلس در رأس امور است یا در جای دیگری می‌فرماید کشور حتی یک روز هم نباید بدون مجلس بماند.

چون امروز خطرتر ترین وظیفه مجلس تشخیص و صدور احکام ثانویه است و جنبش بیشتر قوانین مجلس از این احکام هستند و بقیه مصوبات نیز به حوزه منطقه‌ال فراغ تعلق می‌گیرد. چنانچه مرحوم نایینی نیز می‌فرماید: «کار اصلی نواب مجلس از نوع احکام متغیر است.»

لذا می‌توان گفت اختیار تقنین در حوزه احکام متغیر مردم در مجلس شورای اسلامی تفویض شده و البته مشروعیت آن از سوی ولی فقیه است؛ چراکه صرفاً بر اساس نمایندگی مردم چنین اختیاری از حیث شرعی چنانکه امام خمینی(ره) فرمودند: «من تکرار می‌کنم حاکم اسلامی است و البته در نظام سیاسی کنونی ما ولی فقیه نیز نیت اعمال تقنین خود را به واسطه شورای نگهبان و نظارت آن نهاد اعمال می‌نماید.

چنانکه امام خمینی(ره) فرمودند: «من تکرار می‌کنم مجلس بالاترین مقام است در این مملکت مجلس اگر رأی داد و شورای نگهبان هم آن را پذیرفت هیچ‌کس حق ندارد یک کلمه راجع به این بگوید(به قانونی بودن آن خدشه وارد کند).»

نکته جالب در خصوص امام خمینی (ره) برای مجلس شورای اسلامی قائل بودن آنجا روشن‌تر می‌شود که بدانیم بر خسی از مراجع وقت نسبت به تفویض چنین اختیاری به مجلس معترض شده و آن را اختیار انحصاری شخص ولی فقیه می‌دانستند. به

مسموم و گفتار منحرفان هر اسی نداشته باشند.»

حتی زمانی که بین قانونگذاران با شورای نگهبان در تشخیص و اعمال احکام متغیر اختلاف در می‌گیرد، بر اساس نظریه اول حضرت امام شورای نگهبان ملاک تصمیم‌گیری نهایی



بررسی نظریات فقهی امام خمینی نشان می‌دهد که ایشان ضمن تبیین نظریه ولایت فقیه اختیارات تقنینی و ویژه‌ای نیز برای حکومت اسلامی قائل بوده و مصلحت همراه با اولویت‌سنجی و تأکید بر نقش زمان و نیز قاعده حفظ نظام را در نظام فقهی خود مورد دقت قرار داده است

که در این خصوص به تصمیم رسیده باشید با توجه به اینکه هم‌اکنون موارد متعددی از مسائل جامعه پلاتکلیف مانده سرعت عمل مطلوب است.»

نهایتاً امام خمینی (ره) با وجود عدم میل باطنی اقدام به تأسیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نموده و با شکل‌گیری این نهاد کارکرد شورای نگهبان منحصر به رعایت عدم مغایرت و تطبیق مصوبات مجلس با احکام اولیه اسلامی با تأیید انطباق قوانین مرتبط با احکام ثانویه با شرع مقدس شد و مقرر شد آن بخش از احکام مصوبی که با عنوان ثانویه از سوی مجلس تصویب و مورد مخالفت شورای نگهبان قرار می‌گرفت به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع گردد تا آنجا با رعایت مصلحت نظام اسلامی و سایر عناوین ثانویه این قانون را تصویب کنند.

امام خمینی(ره) در نهایت دستور تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام را صادر نموده و البته نظر اولیه خود را نیز مورد تأکید قرار می‌دهند:

«گرچه به نظر اینجانب پس از طی مراحل زیر



نظر کارشناسان که در تشخیص این امور مرجع هستند احتیاجی به این مرحله وجود ندارد اما برای رعایت احتیاط در صورتی که بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان شرع و قانون توافق حاصل نشد و جمعی مرکب از فقهایی محترم شورای نگهبان و افسراد زیر(اعضای حقیقی وقت مجمع تشخیص مصلحت نظام)، تشکیل شود و در صورت لزوم از کارشناسان دیگر هم دعوت به عمل آید پس از مشورت‌های لازم رأی اکثریت اعضای حاضر در این مجمع مورد عمل قرار گیرد. حضرات توجه داشته باشید که گاهی غفلت از آن موجب شکست اسلام عزیز می‌شود. مصلحت نظام و مسردم از امور مهم نیست که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پابرهنگان زمین را در زمان‌های دور و نزدیک زیر سؤال برده و اسلام امریکایی مستکبرین و متکبر این را با پشتوانه میلیاردها دلار توسط ایادی در داخل و خارج آن پیروز گرداند.»

■ **فرجام سخن**

بررسی نظرات فقهی امام خمینی نشان می‌دهد که ایشان ضمن تبیین نظریه ولایت فقیه اختیارات تقنینی ویژه‌ای نیز برای حکومت اسلامی قائل بوده و مصلحت همراه با اولویت‌سنجی و تأکید بر نقش زمان و نیز قاعده حفظ نظام را در نظام فقهی خود مورد دقت قرار داده است. در همین راستا نیز ایشان کارکرد قانونگذاری توسط پارلمان که ساختاری مدرن به حساب می‌آید را نیز به واسطه تفویض اختیار تقنین از سوی حاکم اسلامی به این نهاد مجاز می‌دانند. لذا مجلس هم در حوزه منطقه‌ال فراغ یا مالایض فیه و هم در خصوص احکام دارای عناوین ثانویه می‌تواند به تصویب قوانین پرداخت و نظارت بر چنین فرآیندی نیز به شورای نگهبان و در صورت اختلاف از طریق بازوی مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام توسط شخص ولی فقیه حل و فصل می‌گردد.

تعهد وکلای مجلس از اهم امور است

از مهمات امور، تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است. ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صدمات بسیار غم‌انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف، از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناک‌تر در این رژیم تمجیلی فاسد خورده و چه مصیبت‌ها و خسارت‌های جانفرسا از این جنایتکاران بی‌ارزش و نوکرماب به کشور و ملت وارد شد. در این ۵۰ سال یک اکثریت قلابی منحرف در مقابل یک اقلیت مظلوم موجب شد که هرچه انگلستان و شوروی و اخیراً آمریکا خواستند، با دست همین منحرفان از خدا بی‌خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند. از بعد از مشروطه، هیچ‌گاه تقریباً به مواد مهم قانون اساسی عمل نشد - قبل از رضاخان با تصدی غریزدگان و مشتی خان و زمین‌خواران، و در زمان رژیم پهلوی به دست آن رژیم سفاک و وابستگان و حلقه به گوشان آن.

اکنون که با عنایت پروردگار و همت ملت عظیم‌الشأن سرنوشت کشور به دست مردم افتاد و وکلا از خود مردم و با انتخاب خودشان، بدون دخالت دولت و خان‌های ولایات به مجلس شورای اسلامی راه یافتند، و امید است که با تعهد آنان به اسلام و مصالح کشور جلوگیری از هر انحراف بشود. وصیت اینجانب به ملت در حال و آتیه آن است که با اراده مصمم خود و تعهد خود به احکام اسلام و مصالح کشور در هر دوره از انتخابات وکلای دارای تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی که غالباً بین متوسطین جامعه و محرومین می‌باشند و غیرمنحرف از صراط مستقیم -به سوی غرب یا شرق -و بدون گرایش به مکتب‌های انحرافی و اشخاص تحصیلکرده و مطلع بر مسائل روز و سیاست‌های اسلامی، به مجلس بفرستند.

وصیت‌نامه‌الهی سیاسی امام خمینی (ره)